



مرزهای خراسان قدیم

نگاهی به حدود جغرافیایی خراسان بزرگ
مهدی سیدی، پژوهشگر و خراسان‌شناس

پیش از آن که جغرافیای امت اسلامی در تقسیمات سیاسی چندپاره شود، خراسان بزرگ به عنوان بخشی از حوزه شرقی این جغرافیا گستره بزرگی داشته است. باز خوانی حدود جغرافیایی این سرزمین نه برای تعیین یک قلمروی سیاسی جدید، که برای فهم اشتراکات کهن فرهنگی میان مردمان آن لازم است. مهدی سیدی، نویسنده و پژوهشگر، به بررسی مرزهای این سرزمین کهن پرداخته است، سرزمینی که امروز به امانت نزد ملت‌ها و کشورهای متعددی است که به احیای هویت مشترک منطقه‌ای خود سخت محتاجند.

گرچه حدود خراسان در طول تاریخ تغییر کرده اما مسلم است که شهرها و ولایات زیر همواره جزء این سرزمین پهناور بوده‌اند: تمامی ولایات و شهرهای واقع در سمت چپ یا جنوبی جیحون (از شمال افغانستان کنونی تا جنوب خوارزم) و شرق گرگان و استرآباد و دهستان و کویر مرکزی ایران، تا غرب حوضه آبریز رود هیرمند، به عبارتی روشن تر: اگر کشور کنونی افغانستان را به سه حوضه آبریز مهم رودهای بلخ و هیرمند و هریرود قسمت کنیم، حوضه هیرمند که عمدتاً شامل شهرها و ولایات کابل و غزنی و قندهار و بُست و غور و سیستان می‌شده، جزء خراسان نبوده است. در عوض، تمامی ولایات شمالی افغانستان (مثل بلخ و...) و غربی آن (مثل هرات و پوشتنگ و بادغیس) از ولایت خراسان محسوب می‌شده‌اند. همچنین تمامی ولایات و شهرهای ترکمنستان کنونی (بجز استان یا ولایت داش‌حوض، شامل خوارزم غربی- جنوبی) و استان بالکان (ناحیه بلخان یا بیابان غز) و کویر شمالی ولایات نسا و ابیورد (بیابان خوارزم، قراقوم بعدی)، جزو خراسان بوده‌اند. در ایران هم همه شهرهای سه استان خراسان فعلی که محدود به استانهای گلستان (گرگان و استرآباد پیشین) سمنان، یزد، و کویر و استان سیستان و بلوچستان می‌باشند، از زمره خراسان بزرگ پیشین بوده‌اند.

در این میان، گاه بخش جنوبی یا غربی خوارزم (شامل شهرهای ساحل چپ جیحون)، و هم خطه ماوراءالنهر (شامل عمده کشورهای تاجیکستان و ازبکستان و شهرهای بخارا و سمرقند...) را که بیشتر به ماوراءالنهر شهرت داشته، جزء خراسان می‌شمرده‌اند (خصوصاً در دوره حکومت سامانیان که با مرکزیت بخارا و عنوان امیر خراسان بر همه ایران شرقی حکومت می‌کردند).

برای ارائه تصویری از ذهنیت جغرافی دانان سده‌های گذشته، نظر چند تن را درباره حدود خراسان نقل می‌کنیم:

مؤلف حدودالعالم: «ناحیت خراسان و شهرهای وی: ناحیت مشرق وی هندوستان است، و جنوب وی بعضی از حدود خراسان است و بعضی بیابان کرکس کوه، و مغرب وی نواحی گرگان‌ست و حدود غوز، و شمال وی رودجیحون است» (ص 88)

اصطخری: «ذکر اقلیم خراسان: خراسان مشتمل است بر کوره و این نام اقلیم است، و آنچه محیط است به خراسان: شرقی خراسان نواحی سیستان

و دیار هندوستان باشد... و غربی خراسان بیابان غزنی [= غز] و نواحی گرگان... و شمالی خراسان ماوراءالنهر و بهری از بلاد ترکستان و ختل و جنوبی خراسان بیابان پارس و قومس» (مسالك و ممالك، ص 202).

مقدسی: «خاوران... ابوزید [= بلخی، مأخذ اصلی اصطخری] خاوران را سه بخش بر شمرده: خراسان، سکستان [= سیستان]، ماوراءالنهر. ولی من آن را یک بخش در دوسوی جیحون خوانده‌ام [= ماوراءالنهر و مادون النهر]... اگر پرسند که چرا مانند دیگر مردم هر سوی را سرزمینی جداگانه نشناساندی، مگر نبینی خود مردم گویند: خراسان و ماوراءالنهر. در پاسخ گفته شود: ولی همین مردم نیز از مرزهای قومس تا طراز را خراسان می‌نامند. مگر نه خاندان سامانی شاهان خراساند و در [آن] سوی رود زندگی کنند» (احسن التقاسیم، ج 2، ص 80-378). وی حتی قسمتی از خوارزم را هم با عنوان خراسانیه جرجانیه، که شامل شهرهای ساحل چپ جیحون می‌شده، جزء خراسان شمرده است (همان، ج 1، ص 70).

یاقوت حموی درباره خراسان و حدود آن نوشته است: «سرزمینی گسترده است و مرزهای آغازین آن پس از عراق (ری) آزاد وار است که شهر جوبین و بیهق باشد. و مرز پایین آن در پشت هند، طخارستان و غزنه و سکستان و کرمان باشد، و اینها خود از خراسان نباشد، که پیرامون مرزهای آنند. خراسان شهرهای مهم دارد که از آنهاست: نیشابور، هرات، مرو که مرکز آنها بوده، بلخ، طالقان، نسا، ابیورد، سرخس و شهرهای دیگر که در میان آنها، در زیر رود جیحون هستند. برخی، کارگزاریهای خوارزم را نیز از آن (خراسان) به شمار آورند و ورا رود را نیز از آن شمرند، و این درست نیست» (معجم‌البلدان، ترجمه فارسی، ج 2، ص 274).

زکریای قزوینی (در سده هفتم ه/سیزدهم م) «خراسان: سرزمینی پهناور است، شرقش ماوراءالنهر، باخترش الجبال و شهرهای مرکزش نیشابور و بلخ و مرو است» (آثار البلاد...، ص 133).

حمدالله مستوفی (سده هفتم و هشتم ه) «ذکر ارباع مملکت خراسان: در او چند شهر است. حدودش تا با ولایات قهستان و قومس و مازندان و مغازه خوارزم پیوسته است، حقوق دیوانی‌اش در زمان سابق داخل ایران بودی، در عهد طاهریان قریب هزار تومان بوده است...» (نزهة القلوب، ص 147).

حافظ ابرو (سده نهم ه/پانزدهم م): «صفت و صورت بلاد خراسان: خراسان نام مملکت است و این مملکت

عرصه وسیع دارد. حد شرقی آن منبع آب آمویه و جبال بدخشان و کوههای تخارستان و بامیان و اعمال بلاد غزنی و کابل، ماوراء جبال الغور که منبع هیرمند است. حد غربی آن بیابانی که فاصله است میان خوارزم و خراسان و حدود دهستان و جرجان تا بحر خزر و بعضی از حدود قومس و بیابانی که میان خراسان و حدود قومس و ری افتاده است. حد شمالی خراسان منتهی می‌شود به جیحون که آموی [= آمل] بر کنار آنست. و به جهت آن که گذر مشهور در زمان سلطنت سامانیان که تختگاه بخارا بوده، آن بوده است... آن طرف آب را بلاد ماوراءالنهر خوانند. جنوبی خراسان حدود سند است، کابل و غزنی و اعمال سجستان تا آب آمویه، که تقریباً صد و پنجاه فرسنگ باشد» (جغرافیای تاریخی خراسان، ص 9).

لسترنج (مستشرق انگلیسی، 1854-1933) تقریباً با توجه به منابع فوق نوشته است: «خراسان در زبان قدیم فارسی به معنی خاور زمین است. این اسم در اوائل قرون وسطی به طور کلی بر تمام ایالات اسلامی که در سمت خاور کویر لوت تا کوههای هند واقع بودند اطلاق می‌گردید. و به این ترتیب تمام بلاد ماوراءالنهر را در شمال خاوری، به استثنای سیستان و قهستان در جنوب، شامل می‌گردید... ولی بعدها این حدود دقیق‌تر و کوچک‌تر گردید... تا آنجا که از سمت شمال خاوری از رود جیحون به آن طرف را شامل نمی‌شد. ولی همچنان تمام ارتفاعات ماورای هرات را که اکنون قسمت شمال باختری افغانستان است، در برداشت... ایالت خراسان در دوره اعراب، یعنی قرون وسطی، به چهار قسمت یعنی ربع تقسیم می‌گردید... که عبارت بودند از نیشابور و مرو و هرات و بلخ» (جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص 408).

ناگفته نماند که عنوان خراسان را ساسانیان به این سرزمین دادند. پیش از آن قلمرو پارتها که شامل عمده کشور ترکمنستان کنونی و خراسان ایران می‌شد، پرتوه یا پرتوه (یعنی سرزمین قوم پارت) خوانده می‌شد، چنان که اکنون هم اروپاییان آن را به صورت بارثاوا یا بارساوا می‌خوانند. اما ساسانیان برای زدودن نام پارتیان، این سرزمین را خراسان یعنی خاستگاه خورشید و مشرق سرزمین ایران خواندند؛ چنان که فخرالدین اسعد گرگانی گفته است:

زبان پهلوی هر کو شناسد
خراسان آن بُود کز وی خور آسد
خور آسد پهلوی باشد: خور آید
عراق و پارس را خور زو بر آید
خراسان را بُود معنی خورایان
کجا از وی خور آید سوی ایران
(ویس ورامین، ص 128).

عنوان خراسان را

ساسانیان به این

سرزمین دادند. پیش

از آن قلمرو پارتها که

شامل عمده کشور

ترکمنستان کنونی و

خراسان ایران می‌شد،

پرتوه یا پرتوه (یعنی

سرزمین قوم پارت)

خوانده می‌شد، اما

ساسانیان برای زدودن

نام پارتیان، این

سرزمین را خراسان یعنی

خاستگاه خورشید و

مشرق سرزمین ایران

خواندند.